نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و چهارم - شماره ۹۸۴ چهار شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۰ ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

چرا مهاجرت می کنند؟

ویژه نسیم جنوب به مناسبت
روز جهانی مهاجرت
با آثاری از: دکتر عابدین عابدی‌زاده،
دکتر طالب موذنی، دکتر علیرضا ارزنده،
دکتر محمود دهقانی، مونا علیخواه،
دکتر عبدالرسول هاشمی، دکتر سجاد بهزادی

شرایط اسفناک شاهین شهرداری بوشهر

بی‌تفاوتی شورا و شهرداری بوشهر

اعتراض معلمان در بوشهر



در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان کشور، جمعی از معلمان بوشهر نیز به این اعتراض پیوستند.

در این تجمع اعتراض آمیز که در مقابل اداره آموزش و پرورش کل استان بوشهر برگزار شد، این معلمان در شعارهای خود خواستار توجه به مشکلات معلمان و رفع آنها شدند.

«رتبه بندی معلمان» و «همسان ساری حقوق» از جمله مطالبات معلمان در این تجمع اعتراضی بود.

جزیره شمالی بندر ریگ در حسرت یک اسکله

منیژه صیادی: به تازگی سفری داشتیم به جزیره شمالی، به جای رسیدیم که صیادان جزیره با فاجعه بزرگ در خطر هستند. خطری که هر لحظه آن ها را تهدید می کند نداشتن اسکله برای این صیادان در مرحله اول است که با آن دست و پنجه نرم می کنند.

صیادانی که برای یک لقمه نان حلال دل به دریا می زنند تا امر معاش زندگی خود وخانواده شان را بچرخانند، ولی نبود اسکله، قایق های قیمتی آنها را با خطر مواجه می کند و ناچار به خاطر کمبود و گل آلود شدن آب ساحل و خور سلیمانی در دردسری بزرگ به سر می برند. مردان آفتاب سوخته جزیره از مسئولین استانی وکشوری تقاضا دارند در اسرع وقت بداد آنها برسند.

برگشت مرسوله‌های پست شده از گناوه

مدیرکل پست استان بوشهر گفت: مرسولات برگشتی به گناوه کالای خارجی بدون مجوز بوده است و پیش از این هم به دفترهای پستی اعلام شده بود که این گونه کالاها پذیرفته نمی‌شوند.

این اداره کل، تابع دستورالعمل و بخشنامه‌های شبکه پستی کشور است و اکنون هیچ‌گونه محدودیت ارسال مرسولات از نظر حجم، وزن و ابعاد ندارد، اما هر نوع کالای خارجی با هر وزن، حجم و ابعادی بدون مجوز قانونی فرستاده نمی‌شود.

۷۴ درصد بوشهری‌ها واکسن زده‌اند

دبیر ستاد مقابله با کرونا در استان بوشهر گفت: تاکنون ۹۰ درصد جمعیت بالای ۱۲ سال استان دست کم یک نوبت واکسن کرونا را تزریق کرده‌اند، که ۷۴ درصد از این افراد هر دو نوبت واکسن کرونا را دریافت کرده‌اند.

ابتلای ۱۶ دانش‌آموز بوشهری به بیماری کرونا

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از ابتلای ۱۶ دانش‌آموز به بیماری کرونا خبر داد و تصریح کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۶ دانش‌آموز از مقطع ابتدایی تا بالا از زمان بازگشایی مدارس به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند که ۵ دانش‌آموز هر دو نوبت واکسن دریافت کرده‌اند، ۴ دانش‌آموز نیز در مقطع ابتدایی بودند، یک دانش‌آموز یک نوبت واکسن تزریق کرده بود و شش دانش‌آموز هم واکسن نزده بودند.

خواجه‌ئیان افزود: در این مدت ۶ نفر از کادر آموزشی مدارس استان بوشهر نیز به کرونا مبتلا شدند.

۱۱ درصد دبیرستانی‌های بوشهر به مدرسه نمی‌روند

رئیس اداره آموزش متوسطه دوره دوم آموزش‌وپرورش استان بوشهر گفت: نرخ پوشش تحصیلی کشوری دوره دوم متوسطه در ۸ سال گذشته به طور میانگین ۸۱.۸۹ درصد بوده اما در استان بوشهر این میزان ۸۹ درصد و بالاتر از میانگین کشوری است.

راه خورموج - لاور مسدود شد

جمعی از اهالی لاور رزمی در بخش مرکزی شهرستان دشتی در اعتراض به رفت‌وآمد ماشین آلات سنگین کارخانه سیمان مند و تخریب راه دسترسی مردم به مرکز شهرستان راه را مسدود کردند.

بیش از پنج سال از شروع عملیات بهسازی و تعریض بیست کیلومتر از راه منتهی به کارخانه سیمان مند گذشته اما فقط پنج کیلومتر از مسیر بهسازی شده و بخش عمده راه که مربوط به دهه ۶۰ است تخریب شده و رفت‌وآمد در آن با دشواری انجام می‌شود.

حوادث متعدد جاده‌ای در این مسیر و بی تفاوتی کارخانه سیمان مند در عمل به مسئولیت‌های اجتماعی خود در این منطقه از دلایل اعتراض مردم است.

موفقیت شرکت یک بوشهری در بریتانیا



شرکت یک نخبه بوشهری در انگلیس پس از کسب جایزه سالانه باکینگهام شایر سال ۲۰۲۱ در سطح منطقه، موفق شد که مدال طلای بریتانیا را نیز بدست آورد. شرکت «کر اند کررز» که در زمینه بهداشت فعالیت دارد، با مدیریت دکتر حسین شریفی در دو بخش عالی بودن در خدمات به مشتری و رشد سالانه موفق به رتبه برتر در سطح منطقه شده و به مسابقات ملی راه یافته بود.

جایزه مشهور «اس ام ای» سالانه در دو مرحله انجام می شود. در مرحله اول شرکت های برتر در سطح استان و منطقه انتخاب می شوند و کسانی که رتبه برتر را بدست می آورند، به مرحله ملی راه پیدا می کنند . در ماه دسامبر تمام شرکت های برتر از انگلیس، ولز، ایرلند شمالی و اسکاتلند در استادیوم ومبلی جمع شده و طی یک مراسم شرکت های برتر ملی انتخاب شدند. شرکت «کر اند کررز» دکتر حسین شریفی در این مراسم موفق شد که رتبه برتر و طلا را بدست بیاورد. همچنین دکتر حسین شریفی نیز به عنوان قهرمان دوره ویروس مدال نقره این دوره از رقابت ها را بدست آورد.

شرکت «کر اند کررز» دکتر حسین شریفی در انگلیس جزو شرکتهای موفق در زمینه بهداشت است که حتی یک نفر از کارکنان و بیمارانش نیز کرونا نگرفتند، در حالی که در این مدت بیش از شصت هزار ویزیت انجام داده است.



رئیس روابط عمومی مجتمع گاز پارس جنوبی خبر داد:

برگزاری مسابقات قرآنی در مجتمع گاز پارس جنوبی

رئیس روابط عمومی مجتمع گاز پارس جنوبی با اشاره به پیاده سازی فرهنگ قرآنی در بین کارکنان و خانواده کارکنان پرتلاش مجتمع گفت: قرآن راهگشای زندگی و برکت زندگی است که هر جا اخلاق قرآنی، ایده‌های قرآنی حاکم باشد پیشرفت وجود دارد.

به گزارش روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی؛ حسن نوروزی ،رئیس روابط عمومی مجتمع گاز پارس جنوبی گفت: سیزدهمین دوره ی مسابقات مقدماتی بهار در بهار ویژه ی کارکنان و همسران و بیست وسومین دوره مسابقات ویژه فرزندان کارکنان در مجتمع گاز پارس جنوبی برگزار شد. حسن نوروزی در این باره بیان کرد: مسابقات بهار در بهار ویژه ی کارکنان، همسران و فرزندان کارکنان مجتمع در بازه زمانی ۴ روزه که به میزبانی دارالقران شهر کُ جم به مدت ۲ روز و در نمازخانه مرکزی ساختمان ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی نیز به مدت ۲ روز که با حضور قاریان، حافظان و تیم تیم کارشناسان و داوران برگزار شد. سیزدهمین دوره از مسابقات قرانی بهار در بهار ویژه کارکنان و همسران کارکنان با موضوعات قرائت ترتیل، قرائت تحقیق، حفظ مفاهیم قرآن کریم و مفاهیم نهج البلاغه برگزار گردید. رئیس روابط عمومی مجتمع گاز پارس جنوبی در پایان گفت: امید است این جوشش و رویش قرآنی و انگیزه‌های معرفتی، همیشه در مجتمع گاز پارس جنوبی مستمر باشد و از زلال کتاب حکمت و علوم عترت بهره‌مند باشیم.

شرایط اسفناک شاهین شهرداری بوشهر

بی‌تفاوتی شورا و شهرداری بوشهر

سرمربی تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر گفت: قرار شد که هیات مدیره جلسه بگذارد تا مدیر عامل باشگاه را انتخاب کند که متاسفانه این پروسه خیلی هم زمان برد و انجام نشد.

به گزارش فارس، مهدی قنبری در خصوص وضعیت تیم شاهین شهرداری بوشهر که با نداشتن بازیکن مواجه شد و امکان داشت بازی در مقابل مس شهر بابک برگزار نشود اظهار داشت: این تیم متاسفانه دو هفته ای است که ضعف مدیریتی دارد و ناخواسته وارد بازی ها شده ایم. با وجود این مشکلات، مدیرعامل باشگاه هم از سمت خود استعفا داده است و کسی خود را مسئول نمی داند که خوابگاه یا غذا برای بازیکنان تامین کند.

وی افزود: به همین خاطر برخی از بازیکنانمان که خارج از بوشهر بودند قبل از بازی مقابل ویستاتوربین اعلام کردند که اگر امکانش هست هر موقع که مشکل جای خواب حل شد و مدیر عامل تیم را انتخاب کردند به بوشهر بیایند تا آنجا بلاتکلیف نباشند. البته حرف درستی هم بود چون جایی نداشتند که استراحت کنند. پس از بازی ما به بوشهر برگشتیم و قرار بر این شد که هیات مدیره جلسه بگذارد تا مدیرعامل باشگاه انتخاب شود که متاسفانه این پروسه خیلی هم زمان برد و انجام نشد.

سرمربی تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر ادامه داد: این تیم در حال حاضر بلاتکلیف است. مسئولان شورای شهر و هیات مدیره نتوانستند برای این تیم تصمیم بگیرند و شهرداری اعلام کرد که تیمداری نمی کند. امروز قرار بود به کرمان برویم، فکر نمی کنم با این شرایط بازی برگزار شود.

مهدی قنبری عنوان کرد: اگر بازی در بوشهر بود می توانستیم بازیکنان بومی را جمع کنیم که البته چند بار این کار هم انجام دادیم چون ما ۷ تا ۸ بازیکن خود را در اختیار نداشتیم و تعدادی هم صبح روز بازی به ما اضافه می شدند.

وی تصریح کرد: سه شنبه بازی است و منطقی است که امشب حرکت کنیم. بازی در بوشهر نیست که یک ساعت قبل بازی تصمیم بگیریم که در مسابقه شرکت کنیم یا خیر. ما ۲۴ روز مانده به شروع لیگ وارد رقابت ها شدیم و بازیکن گرفتیم اما مجوزشان صادر نشد. حتی ۱۴ نفر از بازیکنان جوانان و امید را در اختیار گرفتیم که به چند نفر از آن ها هم مجوز حضور در مسابقات را ندادند و گفتند که آن ها مشکل سربازی دارند. ما با ۱۱ نفر بازی کرده ایم.. در بازی با آرمان گهر سیرجان همین اتفاق افتاد. ۵ روز طول کشید تا بخواهیم تیم را جمع کنیم و بدون تمرین مقابل آرمان گهر حضور پیدا کردیم. در دیدار برابر رایکا هم یک ساعت قبل از بازی در رختکن ترکیب را اعلام کردیم چون نمی دانستیم چه کسانی کارت بازی دارند. در نهایت بازیکنان به میدان رفتند و باز هم ۷ بازیکن ما را بیرون آوردند و اعلام کردند که مجوز ندارند. ما در این بازی از بازیکنان مان در پست های غیرتخصصی خودشان استفاده کردیم.

وی افزود: هیچ کس خود را مسئول نکرد تا مشکل این تیم حل شود. ما منتظر ۵ میلیاردی که مصوبه استانداری بود هستیم که قرار بود به حساب شهرداری واریز شود و فکر می کنم که این اتفاق افتاده است اما مشکل های قانونی برای برداشتن این مبلغ هست و بعید می دانم در این چند وقت مشکل حل شود.

احتمال دارد که شاهین از بازی بعدی انصراف دهد. این تیم دولتی است و آدم دست به جیبی ندارد که هزینه کند. کسی نیست که بیاید و مسئولیت بگیرد. مسئولان شهرداری اعلام کردند که ما برای این تیم خرج نمی کنیم و باید مزایده برگزار شود و امیدوارم که این مشکلات حل شود.

شورا و شهرداری بوشهر پشت شاهین را خالی کردند

شاهین بوشهر مسابقات را ادامه نمی‌دهد



به دلیل‌عدم همکاری شهرداری با باشگاه شاهین شهرداری بوشهر، این تیم به کرمان سفر نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، هفته دهم لیگ دسته اول کشور در حالی برگزار خواهد شد که تیم فوتبال شاهین برای رویارویی با مس به کرمان سفر نخواهد کرد.

شاهین شهرداری بوشهر که در فصل جدید با کادری کاملاً بومی وارد رقابت‌های لیگ دسته اول کشور شده بود با سنگ اندازی برخی مسوولان شهرداری با مشکلات شدید مالی در همان ابتدا مواجه شد و باعث شد این مشکلات تأثیراتی منفی روی روند تیمی هم بگذارد و در نتیجه نتایج دلخواه کسب نشود.

مهدی قنبری سرمربی شاهین در گفتگو با خبرنگار فارس در این خصوص گفت: مسوولان شهرداری اعلام کرده‌اند که قصد تیم‌داری ندارند و ما هم به همین خاطر بازیکنان را برای دیدار فردا مقابل مس به کرمان اعزام نخواهیم کرد.

طارمی؛ برای خلق معجزه لازمت داشتیم!

حجت شفیعی

برطرف شدن سوتفاهم بین مهدی طارمی و سرمربی تیم ملی خبری خوب برای تیم ملی است. حالا نه تیم ملی از مهاجم قابلش محروم می‌شود و نه مهدی طارمی از پیراهنی که بیشترین اعتبار را به شخصیتش داد.



مهاجمی که این روزها تیزی تیغ تند انتقاد را به خاطر عدم توفیق در گلزنی با پورتو به خوبی حس کرده، چه بسا با بازگشت به خانه به جایی که فراتر از هر اصل و نظم حرفه‌ای، خانه‌ای امن برای اوست بتواند دوباره در مسیر گلزنی قرار گیرد. نمی‌توان انکار کرد که دوری از تیم ملی بر روحیه پسر احساساتی و جنوبی تیم ملی تاثیر گذاشته و حتی می‌توان گفت که همین دوری چه بسا تمرکز را تا حدودی از او گرفته که نتیجه‌اش دور شدن از فرم مطلوب اخیرش بوده. حتی اگر خود متوجهش نشده باشد.

پسری که در دل فوتبال حرفه‌ای اروپا، بدرفتاری مربی‌اش را در کنار زمین دید و توصیف نه چندان مناسب او را به جان خرید حالا فهمیده است که محبت در خانه است و بس و چه خانه‌ای خانه‌تر از «تیم ملی» و چه حریمی امن‌تر از تیم ملی که در آن اگرچه با یک تنبیه ساده، قوانین و اصول پوشیدن پیراهنش به او یادآوری شد اما برای او مسجل شد که در این خانه، عشق و علاقه مقدم بر همه‌ی اصول است و طارمی هم نشان داده که پسر با عشقی است!

حالا مهدی طارمی بهتر از هر زمانی باید فهمیده باشد که معتبرتر از پیراهن تیم ملی ایران، پیراهنی را پیدا نمی‌کند. پیراهنی که علی دایی را برای ساده‌ترین بازی‌هایش نیز از دل اروپا به ایران می‌کشاند. ماجرایی که او در آن قدم گذاشت اگرچه پس از مدت‌ها دوباره او را لبه‌ی حاشیه کشاند اما با درایتی دو طرفه ختم به خیر شد تا دوباره پیراهن شماره ۹ تیم ملی را بر تن کسی ببینیم که بیش از هر کسی در فوتبال ایران لیاقت پوشیدنش را دارد.

این بار نیز انتظار می‌رود که طارمی همچون گذشته که به طرق معجزه‌آسایی از تندباد حوادث و حواشی نه تنها جان به در می‌برد بلکه پلی به سوی پیشرفت می‌زد، بازگشتش به تیم ملی را با یک جهش دیگر در مسیر حرفه‌ای خود پیوند بزند. آنچه می‌توان منتظرش ماند گلزنی‌ها و درخشش بیشتر طارمی در پیراهن تیم ملی و باشگاهش است. او این را به ما نشان داده که پس از هر سر و صدایی، باید منتظر بمباران خبرهای خوب از سویش باشیم. پس به انتظار می‌نشینیم و تمام انرژی‌های بد را از ستاره‌ی فوتبال‌مان دور می‌کنیم تا برای‌مان در قطر کار ناتمامش در جام جهانی قبل را تمام کند. همان‌طور که پس از هر چند بار موقعیت‌سوزی‌اش باز امید اول برای گلزنی او بوده و باز به انتظار گل کردن سخت‌ترین توپ‌ها و موقعیت‌ها از سوی او بوده‌ایم. پسری که اگر قرار باشد معجزه‌ای در قطر رخ دهد، حضورش برای خلق معجزه لازم است که او با خود «آن» و «انرژی»‌ای دارد که نظیرش را نمی‌توان در هیچ ستاره‌ای در این فوتبال ایران پیدا کرد.

ورزش سه

احمد رزمی؛ مینیاتور زیبای فوتبال ایران

حبیب کارجو



احمد رزمی، تو در آبادان، احمدآباد لین ۹ به دنیا آمدی، در همسایگی و همجواری با دو بزرگ مرد دیار توپ، تور و دروازه، ناصر شاملی نازنین و احمد تورانی عزیز. احمد آباد خاستگاه و مأوای بسیاری از بزرگان و نام آوران شگفت انگیز تاریخ ایران زمین بوده است، مردان بزرگ و نامی سرزمین نیکی ها، منوچهر سالیا، مظلومی ها، بزمه، کشتکار، شجاع، برزگری و ....

احمد عزیز، کودکان این دیار در بدو تولد، دلداده به دنیا می آمدند، دلداده گوی مدوّر، و گریزی از آن هم متصور نبود، زین سان بود که تو هم دل باخته شدی، مانند همه کودکان این سرزمین جاوید و متبرّک، سرزمین نام آوران تاریخ.

احمد نازنین، تو به همه خوبی ها و زیبائی ها، فارغ از دنیای هیاهوگر رنگ ها علاقه داشته و مأنوس بوده ای و این از خصال بزرگان نیک نهاد است. در سالهای نوجوانی با مرد بزرگ اقلیم خوبان اسماعیل



کشتکار هم بازی بودی و چه مردانی بزرگ و جاوید. تو و کشتکار هر دو افق های روشن را نور افشان بودید. سرنوشت را نمی توان کتمان کرد و هر کدام از شما را به جاده ای رهنمون ساخت. تو به فوتبال بوشهر پیوستی و طراوت، زیبائی و شکوه را به این خطه ارزانی داشتی. با حضور تو در قلب خط مدافعین نوع نگرش به بازیکنان این خط تغییر یافت، تلفیق زیبایی و استحکام.

احمد مهربان، تو در این زمان از معدود سردمداران ادغام همه بالندگی در مستطیل سبز و باشکوه بودی، این درخشش شگرف را تدبیر دیگری نبود که مانع پذیرش تو به اردوی تیم ملی ایران شود. تو با همان بزرگی به اردوی تیم ملی پیوستی، اما دریغا از رویه متداول و بیرحمی در نادیده انگاشتن مردان غیور و فهیم جنوب. جنوب غنی از سرمایه ، آگاهی و معرفت که ....

رزمی عزیز، با شروع جام تخت جمشید و اشاعه آن در گستره ایران زمین، تو به تیم برق شیراز پیوستی، پیوند تو با غلام پیروانی استحکامی شدید به حراست از دروازه این تیم بخشید که عبور از آن به سادگی متصور نبود. من در جام تخت جمشید مقابل این خط قرار گرفته و به بزرگی آن ایمان داشته و دارم. تو سرگروه این تیم با شکوه بودی، و یارانت سلیم پور، عبداللهی، آهنگران، فریاد شیران، رحمت آمیز و ....

احمد رزمی عزیز، نمیتوان از تو و فوتبال تو سخن گفت و از ضربه های زیبای قیچی تو سخن به میان نیاورد، ضربه هایی در نهایت زیبایی، شکوه و اعجاز. شاید تو تنها بازیکن در تاریخ توپ باشی که پروازهای به این زیبایی و با شکوه انجام می دادی.

رزمی رزمجو، بزرگی، اخلاق، متانت و معرفت تو در دنیای توپ گرد و خارج از آن در پهندشت این خاک پُر گهر، با تمام مردانی که عظمت ترا نظاره گر بوده اند، برای همیشه ماندگار خواهد بود، تو با عزت و عزیز بوده، هستی و خواهی ماند.

فقط همین.

نسیم جنوب
چهارشنبه ۲۴/ ۹/ ۱۴۰۰ شماره ۹۸۴

که بسته پایم...؟*

دکتر عابدین عابدی زاده



مهاجرت موضوعی چندوجهی و پیچیده است اما می‌توان با صراحت گفت که مسئله اصلی مهاجرت بیشتر متوجه کشورهای جهان سومِ و کمترتوسعه یافته است! مهاجرت از ایران تقریباً از دو دهه قبل از انقلاب در ذهن و اندیشه‌ی ایرانی به عنوان یک تحرک اجتماعی شکل منسجم‌تری به خود بست و هر دهه بر تعداد افرادی که اقدام عملی به مهاجرت از ایران داشته‌اند رو به فزونی رفته است تا این که امروز، ایده و فکر مهاجرت به نوجوانان و کودکان دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ رسیده که در آینده‌ی نه چندان دور می‌تواند به پاشنه آشیلی برای وضعیت نظام سیاسی اجتماعی کشور تبدیل شود.

هرچند مسئله‌ی مهاجرت در شکم خود آبستنِ مسائل اجتماعی عدیده‌ای است اما نمی‌توان ازَ عواملی رانشی و کششی مهاجرت عبور کرد؛ قصد ندارم از رویکرد مارکسیستی و شکار مغزها سخن بگویم؛ چرا که این رویکرد، نگاهی کاهش گرا و یکسویه به موضوع مهاجرت دارد و تقلیل دادن مهاجرت به یک عامل، هرگز نمی‌تواند همه‌ی جوانب آن را واکاوی نماید لذا نگاهی چندوجهی می‌طلبد؛ بر اساس نظریه مابوگونج؛ افراد بیشتر تحت تاثیر عوامل جاذب و دافع نقاط مهاجرپذیر و مهاجرفرست اقدام به مهاجرت می کنند به عبارتی مجموعه‌ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون و برون مرزی به عنوان علل رانشی و کششی موجب می‌شود که افراد در مکان دیگری در جستجوی آرمان‌های ذهنی و اجتماعی خود باشند.

ایران نیز در چند دهه‌ی اخیر بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول از میان حدود ۱۰۰ کشور در حال توسعه و توسعه یافته از نظر فرار مغزها و مهاجرت در رتبه‌ای بین اول تا سوم قرار گرفته و در طی این سال‌ها نه تنها جمعیت هجرت‌کنندگان از وطن کاهش نیافته بلکه در هر دهه، موج‌های پردامنه‌تر و جدیدی از مهاجرت ایرانیان در آمارها گزارش شده است. در ترکیب مهاجران ایرانی در چند سال اخیر به غیر از نخبگان دانشگاهی، افراد با سلیقه‌های مختلف اجتماعی و توان اقتصادی نیز مشاهده شده است؛ در این میان، افراد با مشاغل خدماتی، تولیدی و کسب و کارهای کوچک نیز دیده می‌شود که این نشان از وضعیت نابسامان کسب و کار و ناامید به تغییر وضع معیشت اقتصادی مردم دارد. فارغ از این که بسیاری از مهاجرین در برهه‌ای از زمان به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و سرخوردگی از مشارکت دادن آنها در سیاستگذاری‌های عمومی و اجتماعی جامعه ترک وطن کرده‌اند اما به تازگی این موضوع به مسائل اقتصادی و معیشتی تغییر جهت داده است؛ به عنوان مثال: بسیاری از جوانان با حرفه‌هایی چون آرایشگری، بنایی، نقاشی، مکانیکی و ... اقدام به مهاجرت نموده‌اند.

نخبگان علوم انسانی به دلیل ماهیت رشته‌های علوم انسانی که باید به پویایی اندیشه و معنابخشی به زندگی و نقش انسان در پیشرفت اقتصادی و سیاسی جامعه بپردازند، آن چنان که باید و شاید نتوانسته‌اند در طرح‌های فرهنگی و سیاست گذاری عمومی جامعه، فعالیت فکری و علمی اثرگذاری داشته باشند و این موضوع باعث بی‌علاقگی، کرختی فکری و بی‌تفاوتی اجباری آن ها نسبت به نظام‌های اندیشه و فکری در جامعه شده است، این بی‌تفاوتی اجباری در برخی از نخبگان فکری منجر به دنباله‌روی آرمان‌های فکری خود در مکان و جغرافیای دیگری خواهد شد، آمار مهاجرت دانش‌آموختگان حوزه پزشکی و مهندسی که جلودار مهاجرین علمی و دانشگاهی هستند نشان از این ادعاست؛ آن هایی که توان مالی، ارتباطی و اجتماعی مهاجرت دارند با بغض در هم شکسته آرزوهای ماندن و ساختن وطن را رها می کنند و نیمی از روح و جان خود را برمی‌دارند و می‌روند و اهداف و تمنّاهای فکری و علمی خود را در مکان لامکان دیگری می‌جویند؛ آن هایی که توان مهاجرت ندارند در تخیلات خود آرمان‌جویی می‌کنند و در انتظار روزنه و تابش نوری! تا سهم فکری خود را در بسترهای منجمد مدیریتی و حلقه‌های بسته‌ی سیاسی به منصه ظهور برسانند! گاه این انتظار در همان قالب سرد و بی‌روح می‌میرد.

افراد بسیاری را می‌شناسم که در تقلای فکری مهاجرت، درگیری ذهنی دارند؛ تا آن جا که این کشمکش درونی ترک وطن، به نوجوانان و کودکان دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ ایرانی رسیده است که خود اعلام خطری برای آینده‌ی سیاسی اجتماعی کشور در پی خواهد داشت، چرا که به تعبیر پژوهشگران حوزه امنیت ملی یکی از مولفه‌های امنیت ملی یک سرزمین، در ابتدا منابع انسانی و جمعیت است.



در ذهن بسیاری از شهروندان ایرانی، یک اتوپیای ذهنی شکل میگیرد که به دلایل متعدد ساختاری، فرزندان این سرزمین به دنبال یافتن جزیره‌ای خیالی در ذهن خود در تکاپو و تلاشند؛ جزیره‌ای که در آن سیاست و جامعه در کمال خوبی اجرا گردد. آنگاه که قایق نجاتشان به ساحل چنین جزیره‌ای نرسد و از سویی از وضعیت موجود زندگی، ناراضی و دلسرد شده باشند و امیدی گرم در دل آن ها لانه نکرده باشد، ممکن است به شهروندانی عصبی، بیگانه از خود، افسرده و ناامید از آینده تبدیل شوند، شهروندی که نه از فضیلت سخن می‌گوید و نه از علم؛ آن وقت جامعه غیراخلاقی می‌شود

با این حال، این تقلای رفتن در ذهن بسیاری از شهروندان ایرانی، یک اتوپیای ذهنی شکل می‌دهد که به دلایل متعدد ساختاری، فرزندان این سرزمین به دنبال یافتن جزیره‌ای خیالی در ذهن خود در تکاپو و تلاشند؛ جزیره‌ای که در آن سیاست و جامعه در کمال خوبی اجرا گردد. آن گاه که قایق نجات شان به ساحل چنین جزیره‌ای نرسد و از سویی از وضعیت موجود زندگی، ناراضی و دلسرد شده باشند و امیدی گرم در دل آن ها لانه نکرده باشد، ممکن است به شهروندانی عصبی، بیگانه از خود، افسرده و ناامید از آینده تبدیل شوند، شهروندی که نه از فضیلت سخن می گوید و نه از علم؛ آن وقت جامعه غیراخلاقی می‌شود و زیست اخلاقی در جامعه‌ی غیراخلاقی فاجعه‌بار خواهد بود. دانش‌آموختگان نظام دانشگاهی نیز وقتی هیچ گونه سازگاری و تناسبی بین نهاد علم و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه را تجربه نکنند و این بی‌تناسبی نظام علم و دانش با واقعیت اجتماعی جامعه؛ اراده‌ی آن ها را به سوی هجرت به جغرافیایی دیگر بیشتر می کند؛ تا زمانی که روابط نظام علم و دانشگاه با حوزه فرهنگ عمومی و سیاسی تقویت نشود و از این بدقوارگی خارج نشود موضوع مهاجرت اولویت نخست ذهنی آن ها خواهد ماند، و این فاصله و تهی شدن نخبگان فکری از نظام تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور؛ آسیب‌های بسیار جدی به ساختارهای اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی جامعه وارد خواهد ساخت.

جالب آن که بسیاری از افرادی که وارد حلقه‌ی نظام تصمیم گیری کشور شده‌اند نیز سودای مهاجرت دارند و برخی نیز کاشانه‌ای برای آینده خود و فرزندانشان در آن سوی مرزها مهیا کرده‌اند، این به آن معناست که بسیاری از مدیران و مسئولان نیز از آینده‌ی فرزندان خود نگرانند، آینده‌ای که نتیجه تصمیمات اشتباه امروز آنها بوده است. گسست بین بهره‌گیری از ظرفیت سرمایه انسانی نخبگان فکری با کانون‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و واگذاری سمت‌های مدیریتی به افراد و رفقای غیرمتخصص، نیز یکی از دیگر عوامل ناامیدی نخبگان علمی است.

لذا به نظر می‌رسد عامل سیاسی و سیاست‌بازی نسبت به دیگر عوامل، اثرگذاری و ارتباط بیشتری با گرایش جوانان به مهاجرت دارد؛ چنان چه این روند، تغییر جدی و ملموس یابد، انتظار می‌رود که تمایل به مهاجرت کاهش یافته و به روشنی و خوشبینانه می‌توان گفت که با تحول در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و استفاده از ظرفیت فکری همه‌ی شهروندان مسئول، امیدی پررنگ در میان ایرانیان مهاجر ایجاد خواهد شد و بسیاری که با ناامیدی رفته‌اند با امید و اشتیاق راه بازگشت به سرزمین فرهنگی و مادری خود پیشه می گیرند.

چنان چه انسان‌ها با هر قومیتی در هر جامعه‌ای به آن ها نگاه شهروندی شود، خود را مسئولانه در موقعیت شهروندی قرار می‌دهند؛ مگر می‌شود یک انسان، احساس شهروندی را با هوش و گوش خود تجربه کند و خود را در موقعیت شهروندی قرار ندهد؟ و در فرآیندهای سیاسی اجتماعی جامعه مشارکت فعالانه نداشته باشد؛ ما بیش از هر زمان دیگر، نیاز به جامعه‌شناسی امید داریم، امید به ساختن و ماندن در خاک وطن!

*اشاره به شعر زیبای « کجا چنین شتابان؟» شفیعی کد کنی

منتخبین دومین جایزه کتاب سال استان بوشهر معرفی شدند



ایسنا/بوشهر دومین جایزه کتاب سال بوشهر در آیینی با معرفی منتخبین این دوره به پایان رسید.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در آیین پایانی دومین جایزه کتاب سال بوشهر اظهار کرد: فراخوان دومین جایزه کتاب سال بوشهر تیرماه سال ۱۴۰۰ منتشر شد و امروز هم زمان با هفته پژوهش برگزیدگان آن معرفی و از آن‌ها تجلیل می‌شود.

کرم پور بیان کرد: دومین جایزه کتاب سال بوشهر به‌صورت دوسالانه برگزار می‌شود، در دوره نخست جایزه کتاب سال استان بوشهر ۱۰۰ اثر به دبیرخانه این رویداد ارسال شد که این استقبال نشان از جایگاه ارزنده این رویداد در نزد نویسندگان و مولفان هم‌استانی بود.

به گزارش ایسنا، برگزیدگان دومین جایزه کتاب سال بوشهر بر اساس رای هیئت داوران به شرح زیر معرفی شدند:

علوم کاربردی- شاخه علوم پزشکی: دو اثر زیر به‌صورت مشترک انتخاب شدند:

ـ تاریخ پزشکی ایران: درسنامه‌ای برای دانشجویان پزشکی، تألیف ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر، ۱۳۹۹.

ـ فلسفهٔ پزشکی آینده، تألیف ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر، ۱۳۹۹.

تاریخ و جغرافیا – تاریخ/استان‌شناسی:

ـ بوشهر، شهر، جامعه و تجارت ۱۹۴۷ـ۱۷۹۷، تألیف ویلم فلور، ترجمهٔ اسماعیل نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر، ۱۳۹۸.

۲۲ زندانی جرائم غیر عمد در استان بوشهر آزاد شدند

مدیرعامل ستاد دیه استان بوشهر گفت: با همت سپاه امام صادق (ع) و بسیج حقوقدانان این استان ۲۲ زندانی جرائم غیر عمد آزاد شدند.

سید اسماعیل موسوی در گفت و گو با ایرنا افزود: کل بدهی این زندانیان ۲میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان بود که از این میزان یک میلیارد و ۶۸۵ میلیون تومان رضایت گرفته شده است.

مابقی مبلغ نیز به میزان ۶۶۵ میلیون تومان بابت آزادی این زندانیان پرداخت شده است.

موسوی اضافه کرد: ۴۰۰ میلیون تومان از این مبلغ از سوی بسیج حقوق دانان و سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر پرداخت و مابقی نیز با همت خیران و ستاد دیه جمع آوری و زمینه آزادی این زندانیان فراهم شد. از اول سال تاکنون ۹۵ نفر از زندانیان جرائم غیر عمد در استان بوشهر با کمک خیران و پرداخت تسهیلات درازمدت و ارزان آزاد و به آغوش گرم خانواده های خود بازگشتند. در زمان حاضر ۹۸ زندانی جرائم غیر عمد در استان بوشهر با ۶۸ میلیارد تومان بدهی چشم انتظار کمک خیران و نیک اندیشان هستند. اگر یک دهم این مبلغ از سوی خیران تامین شود در کنار تسهیلات قرض الحسنه و سایر منابع دیگر و گرفتن رضایت زمینه آزادی آنها فراهم می‌شود.

مصاحبه نسیم جنوب با دکتر طالب موذنی مهاجر بوشهری در عمان:

بیشتر درس گرفته‌ام تا تجربه کسب کرده باشم



– لطفا خودتان را معرفی فرمایید و سیر مهاجرت، کشور و دلیل مهاجرت خود را بفرمایید.

– طالب مؤذنی متولد شهرستان جم، استان بوشهر، دانشیار دپارتمنت الکترونیک و مخابرات دانشکده گلوبال مهندسی و تکنولوژی دانشگاه وست انگلند در عمان، و دانش آموخته دکتری مهندسی برق، مخابرات از دانشگاه نوادا، لاس وگاس آمریکا هستم.

قبل از پاسخ به سوال شما بهتر است بگویم که مهاجرت به لحاظ معنایی و خصوصا معنای حقوقی کلمه به این بنده اطلاق نمی‌شود. چون که برای همیشه از کشور نرفته‌ام و تنها در خارج از کشور (آمریکا) درس پاس کرده‌ام و سپس در کشوری دیگر (عمان) موقتا مشغول به کار شده‌ام.

علت اول و اصلی تحصیلم در خارج کشور، این بود که بعد از فارغ التحصیلی، عضو هیات علمی دانشگاهی بشوم که از نظر حقوق مالی خیلی بهتر از کشور خودمان باشد. آن زمان‌ها (اوایل دهه هشتاد) که گرم فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در منطقه بودم خیلی مشتاق بودم که از نظر مالی حقوقی داشته باشم که بتوانم خرج امور عام المنفعه و کارهای فرهنگی کنم. بیش از آن که حضور خودم در منطقه را مؤثر بدانم، برخورداری از منابع مالی مستقل برای انجام چنین کارهای بشردوستانه‌ای را مؤثر می‌دانستم. شاید خیلی‌ها مرا به دیده‌ی علمی می‌نگریستند ولی خودم چنین دیدی به خودم نداشتم، و علاقه علمی‌ام در آن سال‌ها بعد از علاقه اجتماعی‌ام بود.

این را هم بگویم که کلا در طول زندگی‌ام تا حالا شش دوره علاقه عوض کرده‌ام و آن دوران علاقه اجتماعی غلبه داشت. به این نتیجه رسیده بودم که اگر بخواهم به آن تمکن مالی در خارج از کشور برای انجام فعالیت‌های اجتماعی داخل کشور برسم، بهترین راهش ادامه تحصیل است. به خاطر همین ابتدا مقاله تخصصی در زمینه رشته تحصیلی خودم (مهندسی برق و مخابرات) نوشتم. آن گاه با پذیرش مقاله، توانستم ویزای آمریکا بگیرم. به آن جا که رسیدم یکی از اساتید دانشگاه پیشنهاد تغییر ویزا و ماندن داد. همان جا بود که توانستم پذیرش تحصیلی همراه با کمک هزینه آن دانشگاه دریافت کنم و در مقطع دکتری ادامه تحصیل بدهم. پس از اخذ مدرک، شش سال دیگر هم به صورت پژوهشی در همان دانشگاه فعالیت کردم و نهایتا با برگشت به ایران و کمی کار در کشورمان به اینجا (عمان) آمدم.

اما اینجا آمدنم علت دیگری داشت. نه تنها دیگر آن دوران شور فعالیت‌های اجتماعی گذشته بود بلکه دو دوره علاقه دیگر هم از سرم گذشته بود تا این که علاقه غالبم علاقه علمی شد. با این امید که از طرح‌های علمی‌ام در خارج از کشور حمایت شود، تصمیم گرفتم که موقتا از کشور بروم.

– در دانشگاه عمان به چه کاری مشغول هستید؟

– اینجا کارم در دانشگاه دو بخش دارد: آموزشی و پژوهشی. آموزشی بخشی است که بخاطر آن حقوق می‌دهند که همان تدریس روزانه در دوره کارشناسی رشته‌های مهندسی برق است. ولی پژوهشی، بخشی است که فقط بخاطر علاقه خودم و برنامه‌های علمی که دارم انجام می‌دهم.

– از تجربه های این سفرها و مهاجرتها که می‌تواند برای دیگران مفید باشد برای خوانندگان نسیم جنوب بگویید.

– تجربه‌های مثبت و منفی زیادی نداشته‌ام. بیشتر درس گرفته‌ام تا تجربه کسب کرده باشم. از آمریکا مهمترین درسی که گرفتم این بود، برای موفقیت علمی نیاز به سابقه قوی علمی است. کسی که در دانشگاه‌های ایران شروع و پایان خیلی خوبی نداشته باشد، نمی‌تواند در آمریکا موفق شود. این طور نیست که با هر معدلی و از هر دانشگاهی از ایران به آمریکا بروی و آن جا موفق بشوی.

برای مهاجرت حتما دلیل ایجابی داشته باشید، نه فقط سلبی. برای یک مهاجرت موفق، هم شرط لازم داریم و هم شرط کافی. اینکه "وضع خوب نیست و تو ایران آینده‌ای نداریم و هر جا برویم بهتر است" کافی نیست. بلکه شرط اصلی و لازم این است که با فرض مهاجرت، آیا کار و کاسبی در آن کشور برای مهاجر مهیا است یا نه

درس دوم این بود که آن قدر که کیفیت کار برای آمریکایی‌ها مهم است، کمیت مهم نیست. از یک کار علمی بزرگ که نتایجش در یک ژورنال معروق منتشر شود از ده‌ها کار متوسط و معمولی بهتر استقبال می‌شود.

مشاهده دیگری که داشته‌ام، میزان پرکاری خارجی‌ها در مقایسه با هموطنان خودمان است. با مشاهده و یا تجربه مستقیم کار کردن با خارجی‌ها، واقعا شگفت زده می‌شدم. خودم هیچ وقت دانشجوی تنبل یا کم‌خوانی نبوده‌ام ولی از دیدن چنین صحنه‌هایی واقعا تحت تاثیر قرار می‌گرفتم.

درس بعدی، تک بعدی بودن خارجی‌ها بود. اینکه مثلا دانشجو فقط درس می‌خواند و استاد دانشگاه فقط فعالیت علمی و پژوهشی داشت. برای این موارد، طی ده سالی که آن جا بودم مورد به مورد مصداق دارم که وقت خوانندگان را با ذکر آنها نمی‌گیرم.

ولی تجربه عمان، نسبتا متفاوت است. اینجا که هستم، از بعضی جهات، قدر کشور خودمان خصوصا دانشجویان و اساتید را بیشتر می‌دانم.

– چه توصیه‌ای به کسانی که قصد مهاجرت دارند، دارید؟

– اول از همه اینکه برای مهاجرت حتما دلیل ایجابی داشته باشند، نه فقط سلبی. برای یک مهاجرت موفق، هم شرط لازم داریم و هم شرط کافی. اینکه "وضع خوب نیست و تو ایران آینده‌ای نداریم و هر جا برویم بهتر است" کافی نیست. بلکه شرط اصلی و لازم این است که با فرض مهاجرت، آیا کار و کاسبی در آن کشور برای مهاجر مهیا است یا نه.

خودم در کل، در مشورت‌ها خیلی کم پیشنهاد مهاجرت می‌دهم و احساس می‌کنم که بعضی‌ها را منصرف کرده‌ام.

در زمینه علمی که خودم تجربه کرده‌ام، همان طور که گفتم، برای هر تحصیل کرده‌ای مهاجرت لزوما موفقیت آمیز نیست. اگر دانشجویی به هر دلیلی دل به خارج بسته است، توصیه اکیدم این است که دوران تحصیلش را در بهترین دانشگاه‌های کشور با بالاترین ارزیابی (معدل و نمره زبان) بگذراند.

مصاحبه نسیم جنوب با مونا علیخواه مهاجر بوشهری در هلند:

دیدم دلتنگی‌هایم را جایی پارک کرده‌ام!



– لطفا خودتان را معرفی کنید و سیر مهاجرت خودتان را بفرمایید.

– مونا علیخواه هستم. سیر مهاجرت من، درواقع یک جابه جایی بود از یک شهرِ قدیمی به یک شهرِ قدیمی دیگر: از بوشهر به آمستردام.

– به چه دلیل مهاجرت کردید؟

– دلیل مهاجرتم از یک عشق کودکانه ی قدیمی می آید؛ یکی از روزهای شش– هفت سالگی ام با همسرِ آینده ام به هم قول دادیم اگر بزرگ شدیم هیچ وقت از هم جدا نشویم: بزرگ شدیم، ازدواج کردیم، و حالا بیست و یک سال است که در هلند زندگی می کنیم.

– خانواده با مهاجرت شما مخالفتی نکرد؟

– وقتی از دانشگاه فارغ التحصیل شدم، پدرم ازم خواست که پیش از رفتنم، شغلِ خوبی برای خودم دست و پا کنم؛ منم که مهندسی الکترونیک خوانده بودم، دو سالی در بوشهر کار کردم و وقتی پدرم مطمئن شد که می توانم روی پای خودم بایستم، اجازه داد که بروم.

– در هلند چه شغلی دارید؟

– عکاسی حرفه ای انجام می دهم و شانزده سال است که شرکت خودم را در اینجا دارم.

– چه تجاربی از مهاجرت به دست آورده اید؟

– تجربه که زیاد است، ولی راستش تجربه را آدم فقط در مهاجرت به دست نمی آورد؛ هر روز زندگیِ ما خودش یک تجربه ی جدید است. با این حال، مهمترین چیزهایی که در این لحظه به ذهنم می آید زرق و برق محیطِ جدید بود؛ چیزی که اگر چه همیشه برای آدم می ماند، امّا به هرحال آن هم روزی عادی می شود. مثلا وقت هایی که می خواستم جاهای جدید را کشف کنم و مقایسه کنم، خیلی زود فهمیدم که مقایسه هیچ کمکی به زندگیِ آدم نمی کند؛ هر محیطی ویژگی های خاص خودش را دارد و هیچ اشکالی هم ندارد که تفاوت ها وجود داشته باشد. یکی دیگر این که تفاوت ها می تواند باعث فکرکردنت بشود تا خسته شدنت. به طور مثال دیگر فکر نمی کنم به این که در قورمه سبزی دقیقا کدام لوبیا باشد بهتر است. برایم جالب است که هر کسی یک جور دیگری این غذا را پخت می کند؛ چون این قدر پخت های مختلفش را می بینی که دیگر تفاوت ها برایت ناراحت کننده نیست! بلکه میتواند تجربه ای جدید و هیجان انگیز باشد.

تجربه را آدم فقط در مهاجرت به دست نمی آورد؛ هرروز زندگیِ ما خودش یک تجربه ی جدید است. با این حال، مهمترین چیزهایی که در این لحظه به ذهنم می آید زرق و برق محیطِ جدید بود؛ چیزی که اگر چه همیشه برای آدم می ماند، اما به هرحال آن هم روزی عادی می شود. مثلا وقت هایی که می خواستم جاهای جدید را کشف کنم و مقایسه کنم، خیلی زود فهمیدم که مقایسه هیچ کمکی به زندگیِ آدم نمی کند؛ هر محیطی ویژگی های خاص خودش را دارد و هیچ اشکالی هم ندارد که تفاوت ها وجود داشته باشد. یکی دیگر این که تفاتها می تواند باعث فکرکردنت بشود تا خسته شدنت

– غربت مهاجرت چه طور است؟

– همیشه این سوال از من می شود که چه طوری با غربت سر می کنم؟ همیشه پاسخم این است: هیچ مشکلی با آن ندارم. سالی یک بار خانواده و کشورم را می بینم.

چند سال پیش در کتابی که درباره ی مولانا بود خواندم که خیلی ها نمی دانستند که دوری از زادگاهش چه قدر او را ناراحت و غمگین می کرده است. یک آن به خودم آمدم که من چگونه با «دوری از زادگاهم» کنار آمدم؟ دیدم دلتنگی هایم را جایی پارک کرده ام! و همین یکی از عواملی شد که بعدها برگشتم و یک پروژه عکاسی در بوشهر گذاشتم و یک نمایش عکس.

– از تجارب دیگر مهاجرت بگویید.

– تجربه ی دیگر این که، درکِ مرگِ آدم ها برایم آسانتر شده است؛ روزی صدبار خداحافظی کرده ام با آدمهای عزیز زندگی ام. ندیدنِ آدم ها هر چند برایم عادی است، اما همواره با تمامِ وجودم آن ها را با خودم در قلبم دارم.

یکی از تجربه‌های عجیبِ مهاجرت که من به شخصه هیچ وقت نمی توانم از آن چشم بپوشم این است که به گاهیِ به خودت دروغ بدهی که خیلی خوشحالی و به خانواده ات نگویی که چه قدر دلت برایشان تنگ می شود.

و در آخر این که بهترین شانس را داری که آدم هایی جدید با فرهنگ های مختلف بشناسی و با خودت با افتخار بگویی ما با ریشه های مختلف در این دنیا، همگی مخلوقات خدا هستیم!

– چه توصیه‌ای به کسانی که قصد مهاجرت دارند، دارید؟

– مهاجرت یا تصمیمی شخصی است یا احساسی. اگر شخصی باشد که آدم نیاز دارد آن کار را انجام بدهد و هیچ بحثی در آن نیست؛ چون به شخص و هدفِ شخص مربوط می شود. اما اگر مهاجرت بر اساسِ یک تصمیمِ احساسی باشد، می توانم به این نکته اشاره کنم که احساس در یک لحظه هست و در لَحظه ی بعد نه! پس بهتر است به انتخاب های شخصی مان و به خودمان بهتر احترام بگذاریم؛ آن وقت می دانیم که پاسخ کجا است!

مصاحبه نسیم جنوب با دکتر علیرضا ارزنده مهاجر بوشهری در کانادا:

شرایط مهاجرت برای هر کس متفاوت است، خود را با دیگران نسنجید



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی فرمایید.

– من علیرضا ارزنده هستم، دانشکده نفت آبادان در رشته مهندسی شیمی درس خواندم و پس از آن در دانشگاه پلی تکنیک در رشته مهندسی نفت گرایش مخزن تحصیلات تکمیلی خود را ادامه دادم.

– سیرِ مهاجرت تان چه طور بود؟

– من مستقیما از ایران به کانادا آمدم.

– چرا کانادا؟

– دلیل انتخاب کانادا تحصیل من در سال ۲۰۰۲ در این کشور بود و آشنایی متوسطی که از این کشور داشتم.

– چرا به فکر مهاجرت افتادید؟

– نمی دانم برای شما قابل چاپ باشد یا نه اما یکی از دلایلش دل شکستگی و قدرنشناسی بود که دیدم. در جایی که کار می کردم به دلایل مختلف و تماما غیرواقعی مرتبا برای من مشکل می‌ساختند و باعث ناراحتی و دردسر من می‌شدند و نمی‌گذاشتند که بر روی کارم تمرکز کنم، شاید برایتان جالب باشد یکی از اتهامات من داشتن عکس با سگ هلال احمر و اشتراک گذاری آن در شبکه‌های اجتماعی بود.

دلیل دیگر مهاجرتم، پسرانم بودند. آینده‌ی مشخصی برای وضعیت و اشتغال پسرانم نمی دیدم.

پسر کوچکترم هم به دلایلی ترجیح دادم در ایران نباشد.

– چرا؟

– بگذارید رو راست بگویم چرا؛ پسر کوچک من تا ۶ سالگی حرف نمی زد، حتی از دوست خوبم دکتر نبی‌پور عزیز خواهش کردم و پسرم را معاینه کرد چرا که یکی از پزشکان به ظاهر متخصص به ما گفت احتمال اوتیسم را می دهد که دکتر نبی‌پور این نظر را رد کرد و حق با ایشان بود. پسرم در طول ۶ سالی که در ایران بود در مهد کودک و پیش دبستانی و پارک و اجتماع مورد تمسخر و اذیت و آزار قرار می گرفت. الان پس از سه سال به راحتی به هر دو زبان انگلیسی و فارسی حرف می زند.

– شغل کنونی شما در کانادا چیست؟

– من ابتدا در پتروشیمی مشغول به کار شدم اما بعد شغل دیگری انتخاب کردم و وارد بازارهای مالی و بهتر بگویم بازار سرمایه شدم.

– به چند تجربه مهاجرت که به دست آورده‌اید و می‌تواند برای دیگران مفید باشد اشاره فرمایید.

– برای مهاجرت با وکلای رسمی مهاجرت مشورت کنید و به یک وکیل هم بسنده نکنید. شرایط مهاجرت برای هر کس متفاوت است پس خود را با دیگران نسنجید. به عنوان نمونه جهت این که بدانید یک نفر عضو رسمی وکلای مهاجرت کاناداست یا خیر می‌توانید از وی شماره وکالتش را بخواهید و این اصلا کار زشتی محسوب نمی شود. پس از آن شماره را در سایت وکلای کانادا چک کنید تا مطمئن شوید با یک وکیل رسمی طرف هستید.

– این کار چه مزایایی دارد؟

– در این حالت احتمال کلاهبرداری به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد چرا که اگر وکیل خطایی کند پروانه وکالتش در خطر خواهد افتاد.

دیگر این که در خارج از کشور به نزدیک‌ترین کسی که فکر می کنید به شما ضرری نخواهد رساند هم اعتماد نکنید و مدیریت مالی زندگی خودتان را به شخصه در اختیار داشته باشید. به عنوان مثال به دلیل این که خودتان در خارج از کشور حساب ندارید پول خود را به حساب دوست، آشنا، فامیل یا حتی توصیه می کنم برادر خود واریز نکنید. پس گرفتن پول در خارج از کشور از برادر هم کار ساده‌ای نیست. راه‌های مطمئن‌تری را انتخاب کنید.

هم چنین شاید شما کشوری را دوست داشته باشید و دیگران دوست نداشته باشند و بالعکس لذا به اسم کشورها توجه نکنید. شاید اسم کانادا جذاب باشد یا اسم فرانسه یا اسم آلمان و انگلیس و من آن ها را دوست داشته باشم اما شما نپسندید. بهتر است قبل از مهاجرت حداقل به شکل توریستی کشور مقصد خود را ببینید.

– چه توصیه‌ای به کسانی که قصد مهاجرت دارند، دارید؟

– با مطالعه مهاجرت کنید. داستانهای تخیلی مهاجرت را باور نکنید و مراقب جیب و پول خود باشید. ارزش پول خود را بدانید، شاید امروز با ۳۰ میلیون تومان کار زیادی نشود کرد و به راحتی روی ۳۰ میلیون تومان خودتان ریسک کنید اما همین سی میلیون تومان معادل ۱۰۰۰ دلار تقریبا هزینه یک ماه خورد و خوراک یک خانواده ۳ نفره است. به خاطر داشته باشید پول شما با ارزش است لذا نگویید سی میلیون که پولی نیست، روی پول خود قمار نکنید و هوشمندانه هزینه کنید.



مصاحبه نسیم جنوب با دکتر محمود دهقانی مهاجر در استرالیا:

مهاجرت بستگی به شخصیت انسان‌ها دارد در آن برد و باخت و حتی مایوسی نیز هست



– شما چندین کتاب درباره مهاجرت نوشته اید. به مناسبت روز جهانی مهاجرت، لطفا برای خوانندگان نسیم جنوب، درباره این کتاب ها بگویید.

– با درود به سردبیر ارجمند نسیم جنوب که با بیل اندیشه به جان کشت زار استان بوشهر افتاده و می‌خواهد گل پیشرفت نوجوانان و جوانان را در این مرغزار بارور کند. در باره مهاجرت کم و بیش من در کتاب‌های «پشت یک چکه اشک»، نمایشنامه «ناوگانی از قایق‌ها» و «توفان باربادوس» که انتشارات نوید شیراز در بیخ گوش بوشهر آن را به چاپ رساند و نه تنها در سراسر ایران بلکه در برون مرز نیز کتاب‌ها بفروش رفت حرف‌هایی درباره برخی ایرانیان ناکام مهاجر، نوشته‌ام تا اگر کسی قصد مهاجرت داشت در برون مرز، در منجلاب در نغلتد.

چندی پیش شنیدم کتاب «توفان باربادوس» نایاب است.

– چرا نام توفان باربادوس را انتخاب کردید؟

– برای این کتاب که مجموعه داستان است نام «توفان باربادوس» را با این هدف برگزیدم چون در آنجا توفان‌های بزرگ موسمی رخ می‌دهد. در جوانی به باربادوس سفر کرده بودم. باربادوس میان اقیانوس اطلس و دریای کارائیب از سرزمین‌های فرا دریایی دریانوردان اسپانیایی در شرق کشور و نزوئلا قرار دارد. پس از آن به دست انگلیسی‌ها افتاد و سرانجام چند هفته پیش نیز استقلال خود از انگلستان را اعلام کرد. در این آبخوست زیبا، توفان موسمی دانه و تخم گیاهان و بوته‌ها را با خود به کشورها و حتا قاره‌ها می‌برد و می‌پراکند و دانه‌ها در سرزمین‌های دیگر می‌رویند. من براین باورم که انقلاب‌ها نیز به گونه توفان باربادوس هستند. نمونه‌اش انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر و انقلاب بهمن است که میلیون‌ها شهروند به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. پس از انقلاب بهمن بیش از پنج میلیون ایرانی مهاجرت کردند. در میان مهاجران ایرانی فراز و فرود فراوان است. اما بخش پیروز مهاجران ایرانی نه تنها برای خود و خانواده بلکه برای سرزمین آبایی خود نیز مفید هستند. این بخش پیروز، رسولان فرهنگ اصیل ایرانی بوده و دشمنان را مایوس می کنند. بخش دیگری نیز هستند که با خودفروشی به بیگانگان و در یوزگی افتادن، به دیار آبایی خنجر زهرآگین رسانه‌ای و غیره می‌زنند.

– گویا در کتابی هم که در دست انتشار دارید، باز به مهاجرت پرداخته اید؟

– کتاب خاطراتم هست که امیدوارم با راهنمایی دوستان فرهنگی به زودی چاپخش شود، که هم در بخشی از کتاب به مهاجرت و مهاجران پرداخته‌ام.

– شما اهل کجا هستید؟

– باید عرض کنم من محمود دهقانی در دامان پدری از استان فارس و مادری از استان بوشهر در چهارمین روز زیبای آفتابی زمستان بدنبال زایمان سخت مادر، در شهر کازرون چشم بر جهان گشوده‌ام. در دهستان بورکی دشت خشت به دبستان رفته و با لالایی‌ها و شروه‌های فایز در کودکی به خواب و با صدای پر مهر دیار گرم و تفته دلیران تنگستانی مادر، از شکر خواب سپیده دم بیدار می‌شدم.

– کی مهاجرت کردید و اولین بار به کجا رفتید؟

– پس از دبستان به خواست پدر که در دوبی و پس از آن قطر مغازه داشت مهاجرت کردم. در دوبی به مدرسه ایرانی رفتم.

– در دبی هم که نماندید و بازهم مهاجرت کردید؟

– پس از دیپلم از آن مدرسه، شراع کشتی را برکشیدم و به دنبال غربتی پس از غربت، برای دانشگاه به کشور قشنگ اسپانیا و پس از سال‌ها رهسپار کشور زیبای استرالیا شدم.

– پس شما ریشه بوشهری هم دارید؟

– بله، مادر من یک مهاجر بوشهری در دشت خشت کازرون بود.

– به مهاجرت و مهاجران ایرانی چگونه نگاه می کنید؟

– باید به یاد داشت پیامبر اسلام نیز خود یک مهاجر بود که از مکه به مدینه هجرت کرد. مهاجرت بستگی به شخصیت انسان‌ها دارد. در آن برد و باخت، پیروزی و حتا مایوسی نیز هست. در میان خیل بزرگ مهاجران ایرانی پس از انقلاب که در کشورهای جهان پراکنده‌اند خوب و بد بسیار است. برخی پیروز هستند و همچون پنجه آفتاب نه تنها به جهان، بلکه به زادگاه خود نیز نور می‌تابانند. برخی نیز سر در آخور دشمن فرو برده و مایوس می‌میرند. من بر این باورم روز به روز دسته دوم با آگاهی میهن دوستان از شمارشان کاسته می‌شود. اعتراف اردشیر زاهدی داماد شاه و وزیر امور خارجه پیشین که در سال‌های پایان عمر به نکاتی ارزشمند درباره امروز کشورش اشاره داشت گواهی بر این مدعاست.

زندگی آگاهانه

شروع رشد فردی



حسین زیرایی

آقا ما می‌خوایم روی رشد فردی‌مون کار کنیم. باید چیکار کنیم؟ از کجا شروع کنیم؟

این سوالی است که از فعالان حوزه رشد فردی زیاد پرسیده می‌شود. ولی پاسخ یکسان و آماده‌ای وجود ندارد.

مهارتهای توسعه فردی و زندگی حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود که هر کس بنا به نیاز خود از آن بهره می‌برد. نقطه اشتراک همه این مهارتها هم این است که تمام کاری که قرار است انجام شود روی خود فرد است.

مجموعه ای از اصلاح و بهبود قابلیت‌های درونی و بیرونی فرد که منجر به کیفیت بهتر زندگی او می‌شود.

البته یک تقسیم‌بندی دوتایی بر اساس نیاز افراد وجود دارد که می‌تواند مبنای سوال مربی از مراجع شود. شما می‌خواهید برخی از جنبه‌های زندگی خود را بهبود دهید یا می‌خواهید توانمندی‌های خود را به صورت همه جانبه توسعه دهید؟ اگر پاسخ مورد اول باشد نیاز او در دسته‌بندی بهبود فردی قرار می‌گیرد. مورد دوم ذیل توسعه فردی قرار می‌گیرد. خب حالا این ها چی هستند؟

بهبود فردی یا (self-improvement) به مجموعه‌ای از تغییرات کوچک گفته می‌شود که فرد جهت رضایتمندی بیشتر در زندگی خود ایجاد می‌کند. «تونی رابینز» مربی اوج موفقیت، بهبود فردی را در چهار دسته تقسیم‌بندی می کند: بهبود شغلی، بهبود مالی، بهبود روابط و بهبود سلامتی (ذهن و بدن). بهبود فردی چیزی است که همه نیاز دارند.

هرکس در زندگی خود در مواردی احساس نیاز به بهتر شدن می‌کند. یا به بیان دیگر نقاط ضعفی دارد که دوست دارد برطرف نماید. مثلا فردی نیاز به آرامش بیشتر دارد پس روی بهبود سلامتی خود کار می کند. در اینجا تکنیک های ذهن آگاهی مانند مراقبه به کار او می آید. و اما نیاز به رشد یا توسعه فردی (Personal Development) زمانی است که فردی عموما جوان بین دهه بیست تا چهل زندگی احساس می کند آنطور که باید از زندگی خود نتیجه نگرفته است، توانمندی‌هایش محدود و رضایت بخش نیست. می‌خواهد یک حرکت همه جانبه به خود بدهد و بقول معروف به خود شکوفایی برسد.

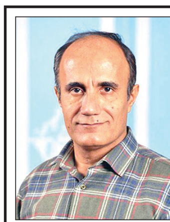
در این صورت او نیاز دارد مجموعه‌ای از دانش و مهارتها را یاد گرفته و بکار گیرد تا بتواند آنچه از خود انتظار دارد را عملی کند. بنابراین او نیاز دارد دانش و مهارتهای زیر را کسب کند یا توسعه دهد: طرز فکر و باور خود را اصلاح نماید، ارزشها و رسالت زندگی خود را شناسایی کند، هدف گذاری، مدیریت زمان و برنامه‌ریزی و ساخت عادتهای مفید یاد بگیرد، مهارتهای حل مساله، تصمیم گیری و ارتباط موثر بداند، بر موانع ذهنی مانند ترس، کمال گرایی، اهمال کاری، انگیزه پایین و اراده ضعیف غلبه کند، سبک زندگی (تغذیه، خواب، استراحت، ورزش...) خود را اصلاح کند، پذیرش، انعطاف پذیری و سرسختی بیشتری داشته باشد، مدیریت ذهن و تمرکز بداند و قس الی هذا...

نکته جالب این است که در هر دو این زمینه ها مطالب و درس ها تقریبا یکی است. فقط مقدار استفاده از آن ها است که تفاوت ایجاد می‌کند.

در یکی شما بنا به نیاز خود تکه ای بر می‌دارید، در دیگری به بیشتر مهارت ها نیاز دارید چون می‌خواهید همه جانبه رشد کنید.

با من در این ستون همراه باشید تا با مهارت های توسعه فردی بیشتر آشنا شویم.

چرا مهاجرت می کنند؟



دکتر عبدالرسول هاشمی

تاریخ مهاجرت پیشینه ای به قدمت تاریخ بشریت دارد. همواره انسان ها به صورت فردی، گروهی، قومی و به دلایل مختلف زادگاه و خواستگاه خود را ترک و به دیگر جوامع و سرزمینها مهاجرت کرده اند. این پدیده با شکل گیری انقلاب صنعتی در غرب و روند مدرنیزاسیون شکل جدیدی به خود گرفته است. عدم تعادل های منطقه ای و ملی، بیکاری و فقر و از طرفی دیگر چشم انداز زندگی بهتر در مناطق شهری و توسعه یافته همواره انسانها را به مهاجرت ترغیب کرده است.

از دیدگاه توسعه ای در مجموع سوالات زیر مرتبط با مسئله مهاجرت تعیین کننده است: آیا مهاجران پس از مدتی اقامت در کشور مقصد حاضر به برگشت به موطن خود هستند؟ آیا این مهاجرت به انتقال تجربیات و دانش و مهارت و سرمایه اقتصادی به داخل کشور منجر می شود یا خیر؟ و یا صرفا مسیری یک طرفه است؟ آیا به ازاء مهاجرت به خارج، به داخل کشور مهاجرتی صورت می گیرد و گروه مهاجرین به داخل کشور چه کسانی و با چه سرمایه فرهنگی و انسانی و اقتصادی هستند؟

در مقیاس ملی سرمایه انسانی از اصول اولیه توسعه و پیشرفت یک کشور است. هر کشوری ترجیح می دهد بدون صرف هزینه، نیروی متخصص و جوان و تحصیل کرده را به داخل کشور جذب کند. در این معادله کشوری برنده است که نسبت مهاجرین متخصص و نخبه بیشتری را به خود جذب کند. این را هم ناگفته نماند که جریان مهاجرت معمولن از کشورهای توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته و به اصطلاح جهان اول است و این امر خود موید تاثیر نیروی انسانی در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور است. براین اساس خروج نیروی تحصیل کرده و متخصص و عدم برگشت آنها به وطن به ضرر و زیان کشور مبدا و به نفع کشور مقصد است اما در شرایط فعلی ایران و با توجه به واقعیات موجود کمتر کسی است که پس از مهاجرت از ایران قصد به بازگشت به کشور داشته باشد. و آن چه نیز از مهاجران خارجی نصیب ایران می شود عمدتا خیل عظیم مهاجران افغانستانی فاقد مهارت و تخصص است که به دلیل جنگ و فقر ناچار به ورود به کشور شده اند.

با این وجود آن چه در شرایط کنونی ایران مسئله اجتماعی تلقی می شود مهاجرت نخبگان و متخصصان است که عمدتا طبقه متوسط شهرنشین را تشکیل می دهند. طبق آمارهای رسمی این مهاجرت ها در سالهای اخیر شدت بیشتری یافته است. به گزارش مهر، بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد، جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱.۸ میلیون نفر است که ۲.۳ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. در واقع جمعیت مهاجران ایرانی در مقایسه با ۳۰ سال گذشته ۲/۲ برابر شده و از ۸۲۰ هزار نفر به ۱.۸ میلیون نفر رسیده است. به سادگی می توان این مهاجرت ها را به شرایط دشوار معیشتی و اقتصادی نسبت داد. اما باید گفت بسیاری از مهاجران معمولا دچار مشکلات حاد معیشتی نیستند و به نسبت طبقات فقیر و کم بضاعت از وضعیت رفاهی مناسب تری برخوردارند. از این رو فقر اقتصادی توضیح دهنده کاملی از این نوع مهاجرتها نیست.

در توضیح باید گفت طبقه متوسط جدید شهرنشین در ایران برخاسته از روند مدرنیزاسیون در صد سال اخیر و پیوند نزدیکی از لحاظ خاستگاه فرهنگی با جهان غرب دارد. منظور از غرب صرفا غرب جغرافیایی نیست بلکه مولفه هایی مانند رفاه، پیشرفت و آزادی های فردی و اجتماعی، محترم شمردن حقوق فردی و حق مالکیت و غیره است. به تعبیر وبری آنها را می توان تیپ ایدآل در جامعه آرمانی غرب دانست. این که تا چه حد چنین شرایط در غرب حاکم است خود بحث دیگری است. اما جاذبه چنین چشم اندازی فراتر از صرفا بعد اقتصادی است بلکه مجموعه ای از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که موجب جذب مهاجران می‌شود. در ادبیات توسعه از مفهوم طرد اجتماعی برای توضیح علل فقر اجتماعی استفاده می شود. در این معنی فقر اجتماعی فراتر از بعد اقتصادی است و به فرایند ساختاری طرد افراد از روند اصلی حیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گفته می شود. آن چه این جا اهمیت می یابد احساس تعلق است. احساس تعلق به ملیت، کشور و سرزمین. اگر روند اداره کشور به گونه‌ای باشد که بخش زیادی از طبقه متوسط از روند تصمیم‌گیری کنارگذاشته شوند، احساس تعلق ملی تضعیف شود. اگر افراد حس کنند منافع فردی شان در تعارض با منافع جمعی قرار می دارد آن گاه قابل انتظار است که منافع فردی در اولویت آنان باشد. مگر آن که منافع جمعی را طوری تعریف کنیم که منافع فردی را دربرگیرد. بنابراین برای این که جلو خروج سرمایه های انسانی از کشور گرفته شود بهترین راه مشارکت دادن افراد در اداره امور کشور و توسعه همه جانبه و مردم محور است.



پژوهش

تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران؛ تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری

سمیرا متقی

مقاله حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از نظریه‌های مهاجرتی مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه گرایان، عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت از کشور ایران را مورد واکاوی قرار داده و به این منظور، به مدل سازی رابطه میان مهاجرت و دو شاخص اصلی اقتصادی اثرگذار بر آن یعنی درآمد و بیکاری، بپردازد.

به منظور به کارگیری مؤثرتر شاخص‌های مذکور، روش الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده، در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که، شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، بیکاری و شاخص حکمرانی خوب، از عوامل اصلی بلندمدت تأثیرگذار بر میزان مهاجرت از کشور ایران، محسوب می‌شوند. در این میان، کاهش بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و بهبود شاخص حکمرانی خوب، منجر به کاهش میزان مهاجرت از کشور ایران شده و این نتیجه مؤید نظریات مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه گرایان برای کشور ایران است.

تحقیق حاضر به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت از کشور ایران با استفاده از روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)، طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، می‌پردازد. به این منظور، با رویکردی تحلیلی و با بهره گیری از تئوری‌های مربوط به مهاجرت، فاکتورهای مذکور را مورد واکاوی قرار می‌دهد نتایج حاصل از تحقیق به شرح زیر است:

الف) در بررسی عوامل اثرگذار در مهاجرت از کشور ایران، عوامل تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی دوره قبل، بیکاری، بیکاری دوره قبل و شاخص حکمرانی خوب، از عوامل تأثیرگذار در کوتاه مدت و از عوامل اصلی تولید ناخالص داخلی، بیکاری و حکمرانی خوب، از شاخص‌های بلندمدت تأثیرگذار بر میزان مهاجرت از کشور ایران، محسوب می‌شوند.

ب) در میان متغیرهای اثر گذار بر میزان مهاجرت، متغیر بیکاری بیشترین تأثیر را بر این متغیر چه در کوتاه و چه در بلندمدت از خود برجای گذاشته است به صورتی که، کشش بلندمدت میزان بیکاری در کشور ایران به میزان مهاجرت از این کشور، ۰/۳ می باشد که اثر مثبت افزایش بیکاری را روی افزایش مهاجرت از کشور ایران، نشان میدهد. بعبارتی، ضریب این متغیر نشان می‌دهد که بیکاری در کشور ایران از فاکتورهای اصلی اقتصادی اثرگذار در مهاجرت از این کشور، محسوب می‌شود.

کشش بلندمدت تولید ناخالص داخلی و شاخص حکمرانی خوب نسبت به میزان مهاجرت از کشور ایران، به ترتیب برابر ۰/۲۲- و ۰/۰۸- است که اثر منفی افزایش تولید ناخالص داخلی و حکوت داری خوب را روی افزایش مهاجرت از کشور ایران، نشان می‌دهد. ضریب این دو متغیر به خوبی گویای این مفهوم است که هر چقدر تولید ناخالص داخلی و وضعیت حکومت داری کشور ایران بهتر شود، به علت بهبود وضعیت رفاهی، میزان مهاجرت از کشور، کاهش خواهد یافت.

بر اساس نظریات مهاجرتی مطرح شده، کارکردگرایان مهاجرت را از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می دانند و به عبارتی علت اصلی مهاجرت را ضعف درآمد می دانند.

ساختارگرایان، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت‌های اجتماعی را از علل اصلی مهاجرت مطرح می کنند و توسعه گرایان، شاخص‌های توسعه‌ای را از علل اصلی مهاجرت مطرح می‌کنند. بنابراین و بر اساس مدل تخمین زده شده و تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، بیکاری و شاخص حکمرانی خوب (شاخص توسعه یافتگی) بر مهاجرت از کشور ایران، مهاجرت از این کشور با هر سه نظریه مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه گرایان هم خوانی دارد.

گالیا توانگر



شب بُرنده ست
شب بُرنده‌ست
به تیزی نیزه‌ها
و غرور خون‌آلود بمبک‌ها*
وقتی از باله‌هایشان خون
می‌جوشد
و در چشم‌هایشان مرگ
به شکل اژدهای سال نو
روی کشتی‌های چینی می‌رقصد

شب بُرنده‌ست
و من قبرستانِ هزار تکه،
ستاره‌ی دنباله‌دار را
در دست‌های خالی ماهیگیران
دیده‌ام
وقتی جنازه‌ی آرزوهایشان را به
خانه می‌بُرند

شب بُرنده‌ست
به تیزی نگاه حسرت‌بار
کارگرانِ عسلویه*
سوزان در شعله‌های دوردست
پالایشگاه
و من، تو را
میان آتش و دود
در روز ملی شدن نفت
با بشکه‌های خالی سوخت بر
دوش
غرور زخمی شوریده‌های*
خلیج‌فارس می‌خوانم؛
سماع گرفته در سرنوشتِ بی
ساحلِ سرخِ خویش

شب بُرنده‌ست
زخم‌هایم را
به شوری موج‌ها می‌سپارم
می‌سوزم
و هزار شاخه گل کاغذی
در بندرگاهِ خلوت و خاموش
شعرهایم
می‌بوسمت

توضیح:
بمبک: نوعی کوسه‌ماهی در خلیج‌فارس
عسلویه: بندری در چندکیلومتری بوشهر با پالایشگاه نفت و مخازن عظیم گازی که مردم بوشهر از نعمت آن (گاز) محروم‌اند!
شوریده: نوعی ماهی جنوب

از کشور نمی روم؛ چون دستم از رفتن کوتاه است!



دکتر سجاد بهزادی

آمار کسانی که ماهانه و یا سالانه ترک وطن می کنند، به صورت مدام در گوشه وکنار منتشر می‌شود وما می‌خوانیم و یا می‌شنوییم. اما آمار بخشی از جامعه که دل‌شان برای رفتن می‌تپد اما دست‌شان از رفتن کوتاه است را نمی‌دانیم.

گفته می‌شود مهاجرت در ایران کشور را در آستانه یک بحران قرار داده است و به قول دکتر محسن رنانی "گوهر ایران در خطر است و کشور وارد مرحله فرسایش تمدنی شده است."

اما اگر حدس به یقین‌مان باشد که چند صد برابر افرادی که رفته‌اند را کسانی تشکیل می‌دهند که اگر چه مانده‌اند اما دل شان در پی رفتن است وفقط دست‌شان کوتاست؛ عمق ماجرا بحرانی‌تر ظهور می کند.

این افراد از قشرهای مختلف جامعه هستند. دوست، همسایه، همکار و یا همفکرخود را می‌بینند که کشور را ترک کرده‌اند و خود نیز مدام سودای ترک وطن دارند، اما دست‌شان از رفتن کوتاست. به قول باباطاهر عریان؛ زدست دیده و دل هر دو فریاد/که هر چه دیده بیند دل کند یاد.

در مقابل این دو گروه که یا از کشور رفته‌اند ویا دوست دارند بروند اما دست‌شان از رفتن کوتاه است، تعداد بسیار کمتری هم هستند که نخبه هستند، می‌توانند بروند اما نمی‌روند. افرادی مانند دکتر محسن رنانی ویا عادل فردوسی پور.

دکتر محسن رنانی در نشستی که انجمن دانش آموختگان دانشکده فنی دانشگاه تهران و پویش فکری توسعه برگزار کرده بود، در پاسخ به این پرسش که "چرا مهاجرت نمی کند؟" سخنرانی کرد. این استاد دانشگاه در آن اجتماع از افرادی قرار دارد که می‌تواند کشور را ترک کند اما می گوید این کار را نمی‌کند زیرا که "گوهر ایران در خطر است و کشور وارد مرحله فرسایش تمدنی شده است."

رنانی از کسانی که در اندیشه رفتن هستند، می خواهد که بمانند و "تصور کنند که کشور مانند پدر ومادرشان است که به سرطان مبتلا شده است و فرزندان والدین را تنها نمی‌گذارند و کنارش می‌مانند وجایی نمی‌روند." او در وضعیتی اندوه‌وار ادامه می‌دهد: "کشور عقلانی عمل نمی‌کند و فرایند مخربی دارد" اما از نخبگان می‌خواهد که آن ها عقلانی عمل کنند و از سیل مهاجرت بکاهند.

رنانی در نهایت از نخبگان می‌خواهد بمانند تا از گوهر کشور را نجات دهند و توضیح می‌دهد که "منظورم تنها با نخبگان ملی نیست، بلکه در مورد نخبگان منطقه‌ای و محلی سخن می گویم."

عادل فردوسی‌پور هم از جمله دیگر نخبگان محبوب این سرزمین است که می‌تواند برود اما ماندن را بر رفتن ترجیح می‌دهد. او نیز به گواه دانشجویانی که سر کلاس‌هایش بوده‌اند همیشه تأکید داشته است که "آقایان و خانم‌ها، از ایران نروید و مملکت را ترک نکنید؛ این جا مثل تمام عزیزانی که ماندند و موجب افتخار ما هستند، بمانید. تلاش کنید و بجنگید تا مملکت خودمان را بسازیم.اگر هم می‌روید، زود برگردید و ماندگار نشوید. اصلا چرا می‌روید؟"

به اعتقاد من بحران اصلی مهاجرت در ایران به خاطرآن‌هایی نیست که رفته‌اند. این بحران اگر چه عمیق است اما کسانی که هم چنان مانده‌اند می‌توانند مرهمی برای این وضعیت باشند.

انباشت وشدت بحران را می‌تواند در گروه بزرگ‌تری از جامعه پیدا کرد. آن‌هایی که دل‌شان در پی رفتن بی‌قرار است اما بنا به دلایل زیادی دست‌شان از رفتن کوتاست.

انسان بی‌قرار ملتهب می‌شود واز همه چیز ناامید می گردد. او تنها می‌شود و در برابر پدیده‌ها بی‌تفاوت می گردد. در کتاب استبداد شرقی که محسن ثلاثی ترجمه کرده است آمده؛ "انسان تنها اطاعت نمایشی دارد و چنین رفتاری احترام شایسته به شمار نمی‌رود."

مهاجرت نکرده‌هایی که دست‌شان از رفتن کوتاه است سرشار از "ساعت فاجعه" هستند و هر لحظه زندگی را عبث و پوچ می‌پندارند. این طبقه مدام در حسرت رفتن وبی سرانجام در بین رفتن و ماندن، روز را شب می‌کند و از فرط ناامیدی گاهی هم آماده شرارت می‌شوند.

به اعتقاد من بحران مهاجرت تنها به خاطر آنهایی نیست که هر ساعت آمار رفتن شان منتشر می‌شود، بلکه بحرانی عمیق‌تر به خاطر آنهایی است که مانده‌اند اما دل‌شان در پی رفتن بی‌تابی می‌کند.

برای روشن‌تر شدن موضوع یک نمونه را می‌آورم:

در جدیدترین گزارش منتشر شده، معاون پرستاری وزارت بهداشت گفته است: "در سال ۹۹ حداقل ۱۲۵۰ نفر از سازمان نظام پرستاری درخواست برای مهاجرت (گوداستندینگ) کرده‌اند، البته تخمین زده می‌شود این عدد بیشتر باشد. اگر تخمین ۱.۵ تا ۲ برابری را داشته باشیم و اگر میانه را ۱۵۰۰ نفر در نظر بگیریم، می‌توان این‌طور گفت که معادل ۳۰ دانشکده پرستاری که نیروی انسانی را تربیت می‌کنند، مهاجرت داریم و این زنگ خطری برای نظام سلامت است." یک زنگ خطر و نتیجه این مهاجرت اینکه در جایی دیگر رئیس سازمان نظام پرستاری کشور می‌گوید: "به ازای هر تخت بیمارستانی باید حدود سه گروه پرستاری داشته باشیم اما الان حدود یک است."

اما زنگ خطرنهفته و بحرانی‌تر، آن طبقه‌ی بزرگ‌تری از پرستاران را شامل می‌شود که اگر چه مانده‌اند، اما دل و اندیشه‌شان با هم‌صنفان‌شان است که کشور را ترک کرده‌اند و اکنون در کشورهای دیگر رفاه بیشتری را تجربه می‌کنند. چنین طبقه‌ای با چه انگیزه وکیفیتی کار می‌کنند؟

مسئله مهاجرت پیچیدگی‌های زیادی دارد، در عین حال درس‌هایی که می‌توان از آن گرفت بسیار ساده و روشن است. اگر مبنای عقلانیت بر حل این بحران نباشد زندگی برای بخش بزرگی از جامعه از معنا تهی می‌شود، ارزش‌ها فرو می‌ریزد وجامعه احساس بی‌شخصیتی می‌کند. روند توسعه سال‌های طولانی به تاخیر می‌افتد و لنگرهای ثبات در جامعه پاره پاره می‌شوند.

کسانی که مانده‌اند و دست‌شان از رفتن کوتاه است، زیستنی تناقض آلود دارند ومدام از خود می‌پرسند ما چرا باید در کشور هزینه شویم وبه خاطر کدامین گناه محکوم شده این وضعیت هستیم.

این افراد انگیزه و برنامه‌ریزی برای زندگی بهتر را ندارند و با زیر سوال بردن تمامی ریشه‌ها، احساس ناتوانی می‌کنند.

مسئله کشور تنها کسانی نیستند که مهاجرت می‌کنند، بلکه مسئله‌ای چالشی‌تر از سوی گروهی است که مهاجرت نکرده‌اند اما دل‌شان هم بر ماندن نیست و هر گونه تلاش برای زیستنِ با کیفیت را ناممکن می‌دانند.

یک ذهنیت کانونی در میان همه اقشاری که مهاجرت نکرده‌اند اما بی‌قرار مهاجرت هستند، این است که دیگر نسبتی بین ماندن و تلاش کردن با رفاه و منزلت و اتوپیای از دست رفته خود نمی‌بینند. چنین جامعه‌ای خود را با سیستم نامانوس می‌داند و به سختی راضی می‌شود که به صورت دل‌خواه در چارچوب نسخه‌ای قرار بگیرد که برایش چیده شده است.

دگردوستی و ضرورت هستی



عبدالخالق ماجدی

یکی از مجادلات همیشگی و بی پایان در بین فلاسفه، بحث به روی مبانی و اصول اخلاق است. چرا و چگونه ما یک عملی را خوب یا بد می دانیم؟ معیار قضاوت و داوری های اخلاقی ما چیست؟

توماس هابز و جان لاک معتقد بودند که مبنای قضاوت و داوری اخلاقی ما، ریشه در «خودخواهی/ خوددوستی» ما دارد و حتی در جایی هم که به دیگران کمک می کنیم دیگردوستی و دگرخواهی ما فقط یک ماسک و صورتک می باشد و آن چه ناپیداست خودخواهی ما هست و غیرممکن است که کسی کاری انجام بدهد بدون آن که خودش ملاک و معیار باشد. اگر به دیگری هم کمک می کنیم شاید می خواهیم حال خودمان را خوب کنیم و یا این که می خواهیم شهرت و نام آور شویم و دگرخواهی ما ابزاری است برای ارضای حس خودخواهی و خوددوستی!

توماس هابز علی رغم زندگی اخلاق مدارانه و با فضیلتی که خود داشت بر این باور بود که دوستی ها و فداکاری ها چیزی نیست جز خود دوستی و خودخواهی تغییر شکل یافته و با نوشتن کتاب «لویاتان» درصدد مهار تمایلات طبیعی انسان بود تا بتوان جامعه ای ساخت بر پایه تفاهم و قرارداد دسته جمعی شهروندان.

«دیوید هیوم» مثل «باروخ اسپینوزا» ضمن این که ریشه داوری های انسان را "میل" و "احساسات" او می دانست مخالف جدی نظریه هابز و لاک و براین باور بود که در وجود آدمی دگردوستی و دگرخواهی هم وجود دارد هرچند ممکن است همیشه حریف خودخواهی و خوددوستی نشود. هردو بر "فایده مندی" و "سودمندی" بعنوان معیار قضاوت های اخلاقی تاکید داشتند. ما چیزی را خوب می دانیم که برای ما "مفید" باشد و در اینجا «اسپینوزا» با کالبدشکافی اصل صیانت ذات شرح می دهد که تمام موجودات عالم برای پایداری خودشان در عالم و هستی تلاش و کوشش می کنند و هرچیزی را که برایشان "مفید" باشد یعنی اینکه باعث افزایش فعالیت بدن شود، "مفید" می دانند و هرچه که او را متوقف و فعالیت او را کاهش دهد ضرر و بدی می دانند و این دو کنش و واکنش یعنی افزایش و کاهش فعالیت بدن دقیقا برپایه تصورات ذهنی شکل می گیرند.

«اسپینوزا» و بالاخص «هیوم» بروی "تجربه"تاکید فراوان داشتند و عقل را قوه ادراکی می دانستند که باید بین احساسات تجربه شده مستقیم قبلی یکی را "انتخاب" کند.

دکتر سیدمرتضی مردیها مترجم کتاب «کاوش در مبانی اخلاق» هیوم تشبیه زیبایی کرده است که اگر اخلاق را یک "درخت" تصور کنیم، ریشه های این درخت بر اساس حب نفس و خودخواهی و تنه درخت برپایه خودخواهی دوراندیشانه شکل گرفته و بر شاخه های این درخت دگرخواهی و دگردوستی می روید.

به درخت اخلاق سیدمرتضی که می نگرم قانع نمی شوم! بدون دیگری نه اینکه شاخه و تنه ای نمی روید ریشه ایی هم شکل نمی گیرد. بدون دیگری بذری هم جوانه نمی زند. تمام راه تاریخ چندمیلیارد ساله حیات را ما با "دیگری" پیموده ایم و دوگانگی خوددوستی و دگردوستی را محصول ناآگاهی و جهل انسان می دانم و بلوغ عقل را به میزان غلظت و رقت دگردوستی و دگرخواهی می دانم.

اگر میل و احساسات انسان را ریشه قضاوتهای اخلاقی بدانیم بدون دیگری میلی وجود ندارد و تمام حرفم اینست که دگردوستی و دگرخواهی "ضرورت هستی" است. بدون دیگری میلی برای کسب ثروت، قدرت، شهرت و جاه و مقام تحریک نمی شود و در نتیجه عاطفه و احساسی هم ظهور نمی کند. بدون دیگری "فایده مندی" مورد تاکید «هیوم» هم بلاتعبیر می شود. آن که را هم که بدون "دلیل" دیگران را دوست دارد "عاقل ترین" می دانم هرچند که مرا مجنون و ساکن کره دیگری بدانند. می گویند کار عقل کشف روابط بین علت و معلول است!؟ خودمان را درمانده تر نکنیم:کار "عقل" عشق ورزی به دیگری هست چونکه "عقل" هستی اش را از دیگری می گیرد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



زندگی نامه دکتر سیدجعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب (۸):

از استادی دانشگاه در تهران تا بازنشستگی در بوشهر



بعد از دفاع از پایان نامه دکتری ادبیات خود در مشهد، به تهران برگشتم و بلافاصله تقاضای انتقال از وزارت آموزش و پرورش به وزارت علوم دادم. پس از مدتی، موافقت شد و در دانشکده ی ادبیات دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) مشغول به کار شدم. از تاریخ ذکر شده تا سال ۱۳۸۵ مشغول به تدریس بودم. تابستان سال ۱۳۸۵ به مسافرت رفته بودم و هنگامی که برگشتم دیدم که حکم بازنشستگی من در اتاقم روی میز کارم گداشته اند.

در آن زمان به طور پاره وقت یعنی دو هفته یک بار در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر تدریس داشتم و هنگامی که خبر بازنشستگیم به جناب آقای دکتر عبدالصاحب امامی رییس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر گفتم، (وی فرد لایق و زحمتکش، سازنده و بنیان گذار و نخستین رییس این دانشگاه بود که البته قدر زحمات سال های سال او را ندانستند.) وی بلافاصله تقاضای استخدام دایمی من در دانشگاه آزادی اسلامی بوشهر دادند و خوشبختانه پذیرفته شد، البته قبلا از سال ۱۳۶۹ به طور نیمه وقت در این دانشگاه مشغول به تدریس بودم و در این مدت دانشجویان بسیار داشتم که در کلاس هایم حاضر می شدند و خاطرات بسیار از این سال ها در ذهنم وجود دارند. تا سال ۱۳۹۷ در این دانشگاه مشغول تدریس بودم که در این سال ناگهان گفتند وقت بازخرید شما و آقای دکتر سیداحمد کازرونی که با هم آمده بودیم فرارسیده، بنابراین در وسط سال ۹۷ بدون این که طلب های ما را بدهند گفتند خداحافظ. دوسال دویدیم و طلب های ما را ندادند و هنوز هم نداده اند و می گویند تقصیر تهران است و تهران می گوید تقصیر بوشهر است. نمی دانم شاید هم از بی توجهی مسئولان دانشگاه آزاد بوشهر باشد.

بعد از این که به تهران برگشتم دیگر در هیچ دانشگاهی درس نگرفته و در خانه نشستم و به نوشتن و سرودن پرداختم. از سال ۱۳۹۷ تا آخر ۱۳۹۸ چهار کتابم از چاپ خارج و انتشار یافت که تا آخر سال ۱۳۹۹ به هشت کتاب رسید. در این سال های هیچ سرگرمی بجز خواندن و نوشتن نداشته ام که بهترین سرگرمی ها و زمان یاد گرفتن ها است.



خیام در بوشهر



فیلم مستند «خیام در بوشهر» به کارگردانی یاسین محمدی، پژوهشگر، فیلمساز و مستندساز بوشهری، پس از مراحل پایان مراحل فنی، آماده حضور در جشنواره های جهانی شد.

خیام در بوشهر، روایتی از زندگی و تلاش آدم هایی ست که برای گسترش شادی و غنیمت شمردن لحظه های زندگی، مراسم سنتی خیام خوانی را از محفل خانگی به اجتماع کشانده اند.

مراحل تولید این فیلم از ابتدای سال ۱۳۹۳ آغاز شد که با پایان فیلمبرداری این اثر پس از ۷ سال، در خرداد ماه امسال به مرحله تدوین نهایی رسید و آماده اکران در جشنواره های جهانی شد.

سایر عوامل این فیلم عبارت‌اند از: تدوین: مصطفی غضنفری – کسری کمایی. تصویربرداران: امین محمدی – حسین حیدرپور – مهدی جهان افروزیان– مصطفی غضنفری. صدابردار: میثم قیصی زاده. صداگذاری: آرش قاسمی. نویسنده گفتار متن: احسان عبدی پور. گوینده گفتار متن: علیرضا غفاری. مدیرتولید: سجاد سلیمانی. برنامه ریزی: سید احمدرضا هاشمی. گرافیک وپوستر: محمد رحیمی زاده. اصلاح رنگ و نور: فربد جلالی. عکس: مریم شیخ‌سقا. ترجمه: احسان محمدی. تصاویر هوایی: امین گل افشان– فخرالدین محمدی. هماهنگی: کمال حسین‌پور– محسن خرمایی پور. تهیه کننده: یاسین محمدی

حافظان فرهنگ و دانش در روستای گورک سادات بوشهر



مهدی جهانبخشان: در گوشه گوشه میهن عزیزمان ایران، افرادی به پاسداری از فرهنگ و دانش و هنر اهتمام دارند که شاید حتی شناخته هم نشوند ولی بالاخره در گسترش دانش خوب زندگی کردن، نقش مهمی دارند.

در روستای گورک سادات (۱۹کیلومتری شهر بوشهر) خانم زحمتکشی به کار و زندگی مشغول است که می تواند برای دیگران هم الگو باشد، ایشان سرکار خانم لیلا رستمی کتابدار کتابخانه آن منطقه است که با کتاب و کتابخوانی عجین شده است.

خانم لیلا رستمی در سازماندهی بانوان اهل گورک سادات جهت امر مطالعه واقعا فعال و تلاشگر است. چندین وچند بار به خاطر فعالیت‌های فرهنگی و امر کتابخوانی و تشویق جوانان برای راهیابی به دریای دانش و ادب، مورد تشویق مقامات اداری قرار گرفته و لوح های تقدیر زیادی را دریافت نموده و حتی در سطح کشوری هم مدارجی را اخذ نموده است.

بد نیست از روستای گورک سادات هم اطلاعاتی در دست داشته باشیم. گورگ سادات دارای تقریبا ۱۵۰۰ نفر جمعیت است که شغل کارمندی و اداری دارند و تعدادی هم به کار کشاورزی و دامپروری مشغول می باشند. از زمان رژیم شاه اهالی گورک سادات دارای درک و فهم سیاسی و اجتماعی بالایی بوده اند و بعضی از افراد در منزل خود کتابخانه شخصی داشته و به دیگران کتاب قرض می داده اند. اهالی گورک از قدیم و ندیم اهل علم و فرهنگ بوده و در میانشان عالمان خوبی رشد می نموده. بطوری که همیشه مورد وثوق و احترام اهالی تنگستان و سایر نقاط استان بوده اند. پس از فرسوده شدن ساختمان قدیم کتابخانه، یکی از خیرین بنام آقای جباری زمینی را در اختیار اهالی برای احداث کتابخانه جدید می گذارد شرکت نفت نیز هزینه احداث کتابخانه را به عهده می گیرد و اداره کتابخانه های کشور هم کتابهای لازم را تأمین می کند. هم اکنون این کتابخانه ۹۰۰نفر عضو دارد.



در بازدیدی که از مخزن کتابخانه داشتم، کتاب‌های خوبی را در همه زمینه های علمی، ادبی، دینی و فلسفی و تاریخی مشاهده کردم که باعث تعجب و خوشحالی ام شد.

کلاهبرداری نوجوان بوشهری با وسوسه کردن دیگران به دریافت الماس

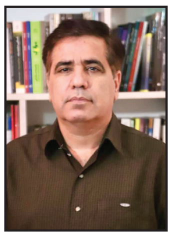
ایسنا/بوشهر فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان از دستگیری نوجوان ۱۵ ساله بوشهری خبر داد که با ترغیب گیمرها به الماس رایگان در اکانت بازی اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می کرد.

سرهنگ فرهاد آراوند فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان اظهار کرد: شهروندی ۴۶ ساله به پلیس فتا مراجعه و اعلام داشت که فردی ناشناس در فضای مجازی با وعده‌های دروغین، اقدام به فریب و ترغیب پسر۸ساله‌اش شده و وی جهت دریافت امتیاز بازی(دریافت الماس)، اطلاعات اکانت شامل جی میل و رمز ورود را با فرد کلاهبردار به اشتراک گذاشته که در ادامه این مجرم سایبری، اکانت بازی را از دسترس فرزندش خارج نموده است. باتوجه به موضوع پرونده، پیگیری آن در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت که با اقدامات فنی صورت گرفته، مشخص شد متهم با توجه به افزایش کاربران بازی موبایلی خاص و ارزش بالای مالی آن، اقدام به فریب کاربران این بازی اینترنتی با موضوعیت دریافت الماس رایگان می‌نموده است، که با پی‌جوئی سایبری پلیس، هویت متهم شناسایی و طی هماهنگی با دستگاه قضایی، دستگیر شد. متهم پس از دریافت جیمیل و رمز آن، اقدام به خارج کردن کاربران از بازی مذکور نموده و در ادامه با پاک کردن مستندات و ردپاهای جامانده از خود و حذف تمامی اطلاعات و محتویات تلفن همراه کاربران بازی، آنها را در همان بستر به فروش می‌رسانده است.

آراوند ادامه داد: در بررسی اولیه محتویات تجهیزات هوشمند توقیفی از متهم دستگیرشده، مستندات اکانت‌های متعدد بازی مذکور که به همین شیوه با کلاهبرداری در اختیار وی قرار گرفته بود، استخراج و مشخص گردید که تعداد مالباختگان این پرونده، بالا بوده و نیازمند بررسی تکمیلی می‌باشند.

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

بودجه وحشتناک!



تا این جای انتشار عمومی مواردی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ دولت اصولگرا با سقف ۳۶۳۱ هزار میلیارد تومان، برای تصویب مجلس اصولگرا برای دخل و خرج کشور در سال آینده، باعث وحشت بسیاری شده است، اینکه راه‌حل اصلی مشکلات اقتصادی کشور را فشار بیشتر بر مردم دانسته و جهت دهی اکثر منابع درآمدی عمده کشور را به سمت برداشت از جیب مردم هدایت کرده باشند، باید هم باعث وحشت مردم شود.

دوگانگی عجیبی که در همین ارقام و آمارهای منتشره نمایان شده، نشان می‌دهد که عواقب تحریم و کمبود بودجه و محدودیت منابع و ریاضت معیشتی و سختی اقتصادی را بر دوش مردم گذاشته و افزایش بودجه و بالا بردن مزایا را روانه نهادهای خودی کرده‌اند، گویا قرار است سختی تحریم‌ها و مشکلات کمرشکن آن را فقط مردم باید تحمل کنند و خودی‌ها خم به ابرو نیاورند و دلشان از کمبودها این وضعیت وخیم اقتصادی نلرزد و بودجه مملکت همچنان برای آنها به وفور در دسترس باشد و البته چون که نفت ایران هم به عنوان مهمترین منابع درآمدی کشور در تحریم است و پول نفت‌هایی که می‌فروشند هم معلوم نیست کی به دستشان می‌رسد، بنابراین راه‌حلی به ذهنشان نمی‌رسد مگر اینکه افزایش این بودجه خودی‌ها را نیز به بهانه‌های گوناگون باز از جیب مردم بردارند و فشار مضاعف را بر دوش آنها بگذارند.

پس رعایت حقوق شهروندان چه می‌شود وقتی که برای هر مشکلی فقط فشار بر آنها را در برنامه می‌گذارید؟ عوارض گرفتن و مالیات ستاندن از مردم هم راه و روشی دارد و این طور نیست که میانگین حقوق‌ها را ۱۰ درصد اضاف کنید و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت را ۶۲ درصد، اینطور نیست که هرجا کم آوردید، عوارضی بتراشید و مالیاتی اضافه کنید.

انصاف حکم می‌کند که به صدای مردم در برداشتن تحریم‌ها گوش دهید و اگر هم قرار به تحمل تحریم‌ها باشد، شما در صف اول باشید و نه اینکه انگار نه انگار که اقتصادمان در حال ورشکستگی هست و معیشت مردم به زحمت افتاده و اقشار مختلف مردم هر روز به این وضعیت وخیم اقتصادی اعتراض دارند!

این که نمی‌شود که تا کسی حرفی زد و اعتراضی کرد، طلبکارانه بگویید اگر قبول ندارید از این کشور بروید!

به جای این طلبکاری‌ها، بدهی خود را در ساختن یک زندگی عادی و معمولی برای مردم کشور، بپردازید و تلاش خود را به کار گیرید تا سوء مدیریت‌ها را کم کنید و راه های رانت‌خواری‌ها را ببندید و فکری اساسی برای بحران‌های پی در پی کشور کنید و تجدید نظری در سیاست‌های منطقه‌ای و خارجی خود کنید و به سمت رفع تحریم‌ها و گشایش‌های اقتصادی گام بردارید تا شاید قدری از فشارها از دوش مردم برداشته شود.

این که عادلانه نیست در این شرایط تحریمی بودجه‌ای ببندید که انقباضش برای مردم باشد و انبساطش برای نهادها، فشارش روی مردم باشد و آسودگیش برای خودی‌ها.